

# واجباتی که بر هر مسلمان مرد و زن

دانستن آن ضروری است

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمهء مترجم

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا ضَلَالَ لَهُ وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ أَمَّا بَعْدُ:

باری تعالی می‌فرماید: واعبدوا الله ولا تشركوا به شيئاً [النساء ۳۶] [خدا یکتا را پرستید و هیچ چیزی را شریک وی قرار ندهید]. رسول الله ﷺ به معاذ بن جبل می‌فرماید: ((أتدري ما حق الله على العباد قال: الله ورسوله أعلم، قال: أن يعبدوه ولا يشركوا به شيئاً، ثم أتدري ما حق العباد على الله إذا فعلوا ذلك أن لا يعذبهم)). [متفق علیه].

آیا می‌دانی حق خدا بر بندگانش چیست؟ گفت: خدا و رسول خدا بهتر می‌دانند، فرمود: اینکه او را عبادات کنند و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهند، سپس فرمود: آیا میدانی حق بندگان بر خدا چیست اگر این عمل را (حق خدا را) انجام دادند؟ اینکه آنها را عذاب ندهد. چیزی که در آن هیچ شک و تردیدی نیست اینکه علم و دانش خدا شناسی و عقیدهء اسلامی اساس و بنیاد تمامی دانشها بشمار می‌رود، شایسته آن است که ما تمامی مسلمانان به آن عنایت بهتر و بیشتری داشته باشیم تا اینکه به موجب آن اعمال و کردار ما صحیح و نزد باری تعالی مورد قبول باشد، بخصوص در این زمان که جریانات انحرافی و گمراه کنندهء کفر و إلحاد و تصوف و رهبانیت و جریان قبر پرستی و شرک و بدعتها و مخالفتهای پیروی از پیامبر ﷺ و سنت او همه جا فرا گرفته و تمامی این جریانات خطرناک است اگر مسلمان مسلح به سلاح عقیدهء صحیح که از قرآن و سنت و فهم سلف و گذشتگان اُمت محمدی است، نباشد بیم آن می‌رود که این جریانات منحرف و گمراه کننده او را به طرف خود بکشد.

به همین دلایل برای مسلمان یادگیری عقیدهء صحیح اسلام و عنایت و توجه خاص به آن ضروری و لازم است تا در چنگال این جریانات انحرافی و گمراه کننده نیافتیم. به این خاطر ما این کتاب را که: (الواجبات المتحتمات المعرفة على كل مسلم ومسلمه): (واجباتی که بر هر مسلمان مرد و زن دانستن آن ضروری است) نام دارد، و از سخنان شیخ محمد بن سلیمان التمیمی و نواده های او، و جمع و ترتیب شیخ عبدالله بن إبراهیم القرعاوی است، ترجمه کرده و به مسلمانان جهان، بزرگ و کوچک، و پیر و جوان تقدیم می‌داریم. امید است مورد قبول قرار گیرد و آنرا مطالعه کرده نقاط مهم آنرا درک کنند تا در زندگی روز مرهء خود، دنیا و آخرت

کامیاب شوند . و در پایان از باریتعالی خواهانیم که ما را بر این عمل متواضع أجر و پاداش نیک عطا فرموده آنرا خالصاً مورد رضا و خوشنودی خود قرار دهد .

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین، وصلى الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين .

أصول سه گانه که یادگیری آن بر هر مسلمان زن و مرد واجب است:

و آنها هم عبارتند از: اینکه بندهء خدا، دین پیامبرش محمد ﷺ را بشناسد .

پس اگر به تو گفته شود پروردگار و خدای تو کیست؟

بگو: خدای من کسی است که تمامی جهانیان را با نعمتهای خود آفریده و پرورش داده، و اوست معبود و پروردگار من، و غیر از او من معبود دیگری ندارم .

و اگر بتو گفته شود دین تو چیست؟

بگو: دین من اسلام است، و آنهاهم تسلیم شدن به خدای یکتا و فرمانبرداری اطاعت او، و براءت جستن از شرک و مشرکان .

و اگر بتو گفته شود پیامبر تو چه کسی است؟

بگو: محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم، و هاشم از قبیله و طایفهء قریش است، از عربهاست، و عرب از نسل و فرزندان إسماعیل بن إبراهیم الخلیل هستند، بهترین سلام ها و درودها نثار آنان باد .

أصل دین مبین اسلام و أساس آن دو چیز است:

۱ - أمر به عبادت و پرستش خدای یکتا و بی همتا، وادار کردن بر آن، و دوستی و خیر خواهی در آن، و کافر دانستن کسیکه این دین را ترک و مخالفت آن کند .

۲ - بر حذر داشتن از شرک در عبادت خدا، و شدت نکیر و مخالفت در آن، و دشمن دانستن کسیکه این عمل را انجام می‌دهد، و کافر دانستن کسانی که شرک می‌ورزند .

شروط لا إله إلا الله: ۱ - دانستن معنای آن بطور نفی و اثبات .

یعنی (لا إله) نفی تمام أنواع عبادت از غیر خدا .

و (إلا الله) اثبات تمام أنواع عبادت برای خدای یگانه .

۲ - یقین: و آنهاهم عبارتست از اینکه علم و یقین کامل به آن داشته باشیم، علمی که در آن شک و تردیدی وجود نداشته باشد .

۳ - إخلاص: همان إخلاص که مخالف شرک است .

۴ - راست: همان راستی که با دروغ منافات دارد و مانع از نفاق می‌شود .

۵ - دوست داشتن این کلمه و آنچه بر آن دلالت دارد و خوشحال بودن به اسلام و توحید .

۶- تسلیم شدن به حقوق آن و آنهم انجام عملهای واجب بطور خالص برای خدا و طلب رضای او .

۷- قبولی که منافی و مخالف به رد کردن آن می‌باشد .

دلیل این شرطها از قرآن و سنت پیغمبر □:

دلیل اول: آنهم علم و معرفت به معنای آن: فاعلم أنه لا إله إلا الله : [محمد ۱۹] . [پس یقین بدان که معبودی بحق بجز خدای یکتا نیست] . وإلا من شهد بالحق وهم يعلمون : [الزخرف ۸۶] .

[مگر کسیکه گواهی بحق داد و گفت لا إله إلا الله و ایشان می‌دانند که دل‌هایشان با زبانشان یکی است] . وهم يعلمون یعنی می‌دانند با دل‌هایشان، آنچه زبانهای آنها با آن نطق کرده است . و دلیل از حدیث رسول اکرم □ حدیثی که عثمان بن عفان □ روایت می‌کند که رسول الله □ فرمودند: ((من مات وهو يعلم أنه لا إله إلا الله دخل الجنة)) . [مسلم] . هر کسیکه بمیرد و بداند که هیچ معبودی بر حق غیر از خدای یکتا نیست، داخل بهشت می‌شود .

دلیل یقین و ایمان داشتن به آن: باریتعالی می‌فرماید: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ [الحجرات ۱۵] . [بدون شک مؤمنان واقعی آن کسانی هستند که ایمان بخدای یکتا و به پیغمبرش آورده اند سپس (آنگاه از لحظه ای که ایمان آورده اند) شکی در دل خود راه نداده اند و در راه خدا با مالها و جانهای خود جهاد کرده اند، ایشان راستگویان واقعی هستند] .

خداوند برای صدق و راستی ایمان شان به خدا و رسول شرط کرده که شک به دل خود راه ندهند یعنی شک نکنند زیرا کسیکه شک کند از منافقین بشمار می‌رود .

و از أبوهريه □ روایت است که رسول اکرم □ فرمودند: ((أشهد أن لا إله إلا الله و أني رسول الله لا يلقى الله بهما عبد غير شاك فيهما إلا دخل الجنة)) وفي رواية: ((لا يلقى الله بهما عبد غير شاك فيهما فيحجب عن الجنة)) . [مسلم] .

گواهی می‌دهم که معبودی بر حق جز خدای یکتا نیست و من فرستاده و رسول خدا هستم، هر کسی با این دو شهادت خدا را ملاقات کند و در آن شکی در دل نیاورده باشد، داخل بهشت خواهد شد، و در روایتی آمده است: هر کسی با این دو شهادت خدا را ملاقات کند در حالیکه شکی در دل او نباشد، پس از داخل شدن به بهشت جلوگیری نخواهد شد .

و در جزئی از حدیثی که أبوهريه □ از رسول الله □ روایت میکند آمده است که فرمودند: ((.. من لقيت وراء هذا الحائط يشهد أن لا إله إلا الله مستيقناً بها قلبه فبشره بالجنة)) . [مسلم] . بشارت هده به بهشت هر که را ملاقات کردی پشت این دیوار که گواهی می‌دهد که نیست هیچ معبودی بر حق غیر از خدای یکتا در حالیکه دلش متیقن به آن باشد .

و دلیل إخلاص در آن: ألا لله الدين الخالص : [الزمر ۳] .

[آگاه باشید که دین خالص - پاک از ریاء و نفاق - برای خدای یکتا است] .

خداوند متعال می‌فرماید: وما أمروا إلا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء . [البينة ٥] . [و ایشان آمر نشده بودند مگر اینکه عبادت  
خدای یکتا کنند در حالیکه عبادت را خالص برای خدای یکتا قرار دهند و هیچ شائبه شرک و ریائی در عبادتشان نباشد و بر راه  
راست مستقیم باشند] . و دلیل از سنت پیغمبر □ حدیث صحیح و ثابت که أبوهریره □ از رسول الله □ روایت می‌کند که  
فرمودند: ((أسعد الناس بشفاعتي من قال لا إله إلا الله خالصاً من قلبه أو نفسه)) . [بخاری] .

خوشبختترین و سعادتمندترین مردم به شفاعت من روز قیامت کسانی هستند که بگویند: معبودی بر حق غیر از خدای یکتا نیست و  
این گواهی خالص از قلب و جانم باشد .

و در صحیح عتبان بن مالک □ روایت می‌کند که رسول الله □ فرمودند: ((إنَّ الله حَرَّمَ على النار من قال لا إله إلا الله يبتغي بذلك  
وجه الله عز وجل)) . [مسلم] . هر آئینه خداوند حرام کرده بر آتش کسی را که بگوید: معبودی بر حق بجز خدای یکتا نیست و با  
این سخن خود رضای خداوند را می‌طلبد .

إمام نسائی در کتاب: (عمل اليوم و الليلة) از دو نفر از صحابه رضی الله عنهما روایت می‌کنند که رسول الله □ فرمودند: ((من قال لا  
إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير مخلصاً بها قلبه، يصدق بها لسانه، إلا فتق الله لها السماء  
فتقاً حتى ينظر إلى قائلها من أهل الأرض، وحق لعبد نظر الله إليه أن يعطيه سؤله)) . [ابن رجب] .

هر کسیکه گفت نیست هیچ معبودی بر حق غیر از خدای یکتا و او هیچ شریکی ندارد و برای اوست ملک جهانیان و حمد و  
ستایش، و او بر همه چیز قادر است در حالیکه گفته اش به آن خالصانه از قلب او باشد و زبان او بر آن تصدیق کند، خداوند آسمان  
را شکافته تا به گوینده این کلمات که از مردم زمین است بنگرد، و خوشا به کسیکه خدا به او نگاه کند که اگر از او سؤال و دعائی  
کند خداوند به او عطا می‌فرماید .

و دلیل صدق و راستگویی: باری تعالی می‌فرماید: ألم أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمناً وهم لا يفتنون ولقد فتنا الذين من قبلهم  
فليعلمن الله الذين صدقوا وليعلمن الكاذبين : [العنكبوت ١ - ٣] .

[ألم این حروف اشاره به أسماء و یا أسرار بین خدا و رسول خداست و تفسیر زیادی در این کلمه آمده است، آیا مردم گمان کرده اند  
که بحال خود گذاشته میشوند و اکتفاء میشود از ایشان به اینکه بگویند ایمان آورده ایم در حالیکه از ایشان آزمایش کرده نمی‌شود؟  
- ایمان تکالیف و واجباتی به همراه دارد و تنها بزبان آوردن کلمه ایمان کفایت نمی‌کند - و بتحقیق که ما بیازمودیم مردمی را که  
پیش از ایشان بودند و ناگزیر است از آزمودن در برابر ایمان تا خدای یکتا مردمی را که راستگو و صادق هستند در ایمانشان و  
دروغگویان را جدا سازد] .

و دلیل از حدیث صحیح و ثابت که در صحیحین آمده، صحابی جلیل معاذ بن جبل □ از رسول الله □ روایت می‌کند که فرمودند:  
((ما من أحد يشهد أن لا إله إلا الله وأنَّ محمداً عبده ورسوله صدقاً من قلبه إلا حرمه الله على النار)) . [متفق علیه] .

هر کس گواهی دهد که معبودی بحق جز خدای یکتا نیست و محمد بنده و فرستاده خداست، و این گواهی صادقانه و از قلب او باشد، خداوند آتش جهنم را بر او حرام می‌گرداند .

و دلیل دوستی و محبت:

باریتعالی می‌فرماید: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ : [البقرة ۱۶۵] .

[و از مردم کسانی هستند که (از کُند فهمی و کودنی) همتیانی برای خدا، غیر از خدا قرار داده اند و آنان را دوست می‌دارند مانند دوستی خدا، و کسانی که ایمان آورده اند قویترند در دوستی خدا از آنها، یعنی آن همتایان دروغین را تعظیم می‌کنند و دوست دارند و مردمی که ایمان آورده اند به خدا ایمان صحیح در اینحال محبتشان برای خدا بیشتر و تعظیم شان برای خدا بیشتر از تعظیمی است که نابخردان برای معبودان دروغین می‌کنند] .

و همچنان خداوند متعال می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ : [المائدة ۵۴] .

[ای مردمی که ایمان آورده اید هر کسی از شما از دین خویش برگردد خداوند مردمی می‌آورد که ایشان را دوست میدارد، و ایشان خدا را دوست می‌دارند، نسبت به مؤمنان متواضع و فروتن هستند، نسبت به کفار سخت و شدید هستند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش سرزنش کنندگان بیم و هراس به خود راه نمی‌دهند] .

و دلیل از سنت پیغمبر □ حدیث ثابت و صحیح که انس بن مالک □ روایت می کند که رسول الله □ فرمودند: ((ثَلَاثٌ مِنْ كُنْ فِيهِ وَجَدَ حُلَاوَةَ الْإِيمَانِ: أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا اللَّهَ، وَأَنْ يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ بَعْدَ أَنْ أَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهُ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يَقْذَفَ فِي النَّارِ)) . [متفق علیه] . سه چیز است که اگر در انسان باشند شیرینی ایمان را درک می‌کند: اینکه خدا و رسول او محبوبتر از غیر آنان باشد، و اینکه مردم را فقط برای خدا و رضایت و خشنودی او دوست بدارد، و اینکه از برگشتن به کفر بعد از آنکه خداوند او را از آن نجات داده نفرت داشته باشد همچنانکه از پرتاب شدن و انداختن خودش در آتش نفرت دارد .

دلیل انقیاد و تسلیم شدن: باریتعالی می‌فرماید: وَأَنِيبُوا إِلَى اللَّهِ وَاسْلَمُوا لَهُ : [الزمر ۵۴] .

[و انابه و رجوع بدرگاه حق تعالی نمائید و منقاد شوید برای او و خود را تسلیم فرمان او سبحانه و تعالی کنید] .

و خداوند متعال می‌فرماید: وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ : [النساء ۱۲۵] . [نیست نیکوتر باعتبار دین از کسی که خود را تسلیم خدا نمود، و او نیکوکار بود، یعنی راه فرمانبری خدا و إخلاص برای او در پیش گرفت] .

و خداوند متعال می‌فرماید: ومن یسلم وجهه إلى الله وهو محسن فقد استمسک بالعروة الوثقی : [لقمان ۲۲] . [و هر کسیکه خود را تسلیم فرمان خدا کند در حالیکه نیکوکار است، پس بتحقیق که چنگ زده به محکمترین دست آویزی و قویترین دلیل را بدست آورده است] .

و همچنین خداوند متعال می‌فرماید: فلا وربک لا یؤمنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم ثم لا یجدوا فی أنفسهم حرجاً مما قضیت ویسلموا تسلیماً : [النساء ۶۵] . [پس قسم به پروردگارت که ایمان دار نمی‌شوند تا اینکه تو را در آنچه میان شان اختلاف واقع گردیده داور و حُکَم قرار ندهند، و سپس از آنکه تو حُکَم میانشان صادر فرمائی هیچ مشقت و ناراحتی از داوری و حُکَم تو به خود راه ندهند، و بدون هیچگونه اعتراض و معارضه ای مطیع فرمان تو شوند] .

و در حدیث است که رسول الله ﷺ فرمودند: (( لا یؤمن أحدکم حتی یکون هواه تبعاً لما جئت به )) . [شرح السنه] .  
هیچکس از شما مؤمن نمی‌شود تا اینکه هوی و هوس و دوستی او تابع و موافق آنچه من آورده ام نباشد .  
و این منتهای انقیاد و تسلیم شدن می‌باشد .

دلیل قبول کردن و تسلیم شدن به حقوق آن: خداوند متعال می‌فرماید: وکذلک ما أرسلنا من قبلك فی قریة من نذیر إلا قال مترفوها إنا وجدنا آباءنا على أمة وإنا على آثارهم مقتدون، قال أولو جئکم بأهدى مما وجدتم علیه آباءکم قالوا إنا بما أرسلتم به کافرون فاتتقمنا منهم فانظر کیف کان عاقبة المکذبین : [الزخرف ۲۳ - ۲۵] .

[و همچنین ما نفرستادیم پیش از تو هیچ پیغمبری را به شهری، مگر اینکه خوشگذرانان شان گفتند ما پدران مان را بر آئین و عقائدی یافتیم و ما بدنبال ایشان به ایشان اقتداء می‌کنیم و حاضر نیستیم آنرا رها کنیم، پیغمبرشان به ایشان گفت آیا و اگر چه آوردیم برای شما راهی راستتر و بهتر از آنچه پدرانتان را بر آن یافتید باز هم راه پدرانتان که جز گمراهی چیزی دیگر نیست پیروی می‌کنید؟ آنان در جواب پیغمبرشان گفتند ما به آنچه شما به آن فرستاده شده اید کافریم، یعنی به پیغمبرشان گفتند راهی که تو و پیغمبران پیش از تو آورده اند باور نداریم و به راه پدرانمان می‌رویم . پس از آنان انتقام گرفتیم و آنان را دچار نقت و بلای خانمان برانداز ساختیم، بنگر که عاقبت تکذیب کنندگان پیغمبران چگونه شد، عاقبتشان این بود، هم دنیا و هم آخرت را از دست دادند] .  
خداوند می‌فرماید: إِنَّهُمْ کَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ یستکبرون ویقولون أئنا لتارکوا آلہتنا لشاعر مجنون : [الصفات ۳۵ - ۳۶] .  
[در حقیقت هرگاه به آنان گفته می‌شد بگوئید: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: (نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا) و به این توحید خالص ایمان بیاورید راه تکبر و گردنکشی در پیش می‌گرفتند و نه کلمه توحید لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بر زبان می‌راندند و نه بحقیقت آن که باید در تمام امور تابع فرمان خدای یکتا شوند معتقد میشدند و میگفتند آیا ما بخاطر شاعری دیوانه (یعنی رسول الله ﷺ) دست از عبادت خدایانمان برداریم!] .

و دلیل از سنت صحیح و ثابت پیغمبر ﷺ حدیث ابوموسی اشعری ﷺ که روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند:

((مَثَلٌ مَا بَعَثَنِي اللَّهُ بِهِ مِنَ الْهُدَى وَالْعِلْمِ كَمَثَلِ الْغَيْثِ الْكَثِيرِ أَصَابَ أَرْضاً فَكَانَ مِنْهَا نَقِيَّةٌ قَبِلَتْ الْمَاءَ فَأَنْبَتَ الْكَلَأُ وَالْعُشْبَ الْكَثِيرَ وَكَانَتْ مِنْهَا أَجَادِبُ أَمْسَكَتِ الْمَاءَ فَنَفَعَ اللَّهُ بِهِ النَّاسَ فَشَرَبُوا وَسَقَوْا وَزَرَعُوا، وَأَصَابَ مِنْهَا طَائِفَةٌ أُخْرَى إِنَّمَا هِيَ قِيعَانٌ لَا تَمْسِكُ مَاءً وَلَا تَنْبِتُ كَلَأً؛ فَذَلِكَ مَثَلٌ مَنْ فَقِهَ فِي دِينِ اللَّهِ وَنَفَعَهُ مَا بَعَثَنِي اللَّهُ بِهِ فَعِلْمٌ وَعَلَمٌ، وَمَثَلٌ مَنْ لَمْ يَرْفَعْ بِذَلِكَ رَأْساً، وَلَمْ يَقْبَلْ هُدَى اللَّهِ الَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ)). [متفق عليه] .

مثال آنچه خداوند مرا بر آن مبعوث فرموده از هدایت و علم و دانش همانند باران زیادی است که بر زمین باریده بعضی از آن زمین پاک و قابل کشت بوده پس از این باران استفاده کرده و علف و گیاهان زیادی می‌رویند و بعضی دیگر خشک و بی حاصل ولی آب را نگاه میدارد که مردم نفع برده از آن برای آشامیدن انسانی و حیوانی و زراعت استفاده می‌شود، و بعضی از آن زمین شوره زار بوده که نه آب را نگاه می‌دارد و نه علف و گیاهی می‌رویند، و آن مثال کسی است که علم شریعت آموخته و از آن علم نفع و سود یافته و به دیگران نیز آموخته، و مثال کسیکه به آن علم بی اعتنائی کرده و دانش و راه مستقیمی که خداوند مرا با آن مبعوث فرموده قبول نکرده است .

نواقض اسلام

بدانکه نواقض اسلام ده چیز است:

اول: شرک آوردن در عبادت خدای یکتا و برای او شریک قائل شدن . خداوند می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرَ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرَ مَا دُونِ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ** : [النساء ۱۱۶] . [خداوند شرک ورزیدن به ذاتش را نمی‌بخشد و غیر از شرک گناهان دیگر را می‌بخشد برای کسیکه بخواهد] .

و همچنین می‌فرماید: **وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ** : [المائدة ۷۲] . [و کسیکه به خداوند شرک ورزد خداوند بهشت را بر او حرام کرده است و جایگاه او در جهنم است و ستمگران هیچ یار و یآوری ندارند] . و از جمله شرک در عبادت خداوند متعال ذبح و قربانی برای غیر از خداست، مثل کسیکه قربانی کند برای جن و شیطان و ذبح و قربانی بر سر قبرستانها .

دوم: کسیکه بین خود و بین خدا واسطه قرار دهد و از آن واسطه شفاعت بطلبد و بر آن توکل کند، چنین اشخاصی إجماع علماء و دانشمندان اسلام بر کفر آنان است .

سوم: کسیکه مشرکان را کافر نداند، و یا اینکه در کفر آن مشرکان شک و تردید داشته باشد، و یا اینکه مذهب آن مشرکان را صحیح بداند کافر است .

چهارم: کسیکه اعتقاد داشته باشد که هدی و پیروی غیر از رسول الله ﷺ کاملتر و بهتر است از هدی و پیروی از رسول الله ﷺ، و یا اینکه بگوید حکم و قضاوت غیر رسول الله ﷺ بهتر است از حکم و قضاوت پیامبر ﷺ مانند کسانی که حُکم و قضاوت طواغیت و قوانین رسمی کشوری را که غیر شرعی می‌باشد بر قوانین شرعی و دینی برتری می‌دهند و اینها همه کافر می‌باشند.

پنجم: کسیکه به چیزی از آنچه رسول الله ﷺ برای اُمت اسلامی از هدایت بشری و قضاوت و حُکم به قرآن و سنت آورده، بُغض ورزد اگر چه به آن حکم عمل کند در حالیکه از آن نفرت دارد، باز هم جز کافران می‌باشد.

ششم: هر کسیکه به چیزی از دین مبین اسلام مسخره و ریشخند کند همان دینی که رسول الله ﷺ آنرا از طرف باری تعالی آورده، و یا از ثواب و نیکی و پاداش آن، و یا از جزا و عقاب آن، کافر شود و دلیل آن اریته تعالی می‌فرماید: قُلْ أَلِلّٰهُ وَأَيَّاتِهِ وَرَسُولُهُ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِؤْنَ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ : [التوبة ۶۵ - ۶۶].

[بگو آیا بخدا و آیات او (قرآن) و پیغمبر او استهزاء و مسخره میکردید؟ - از کار خود - عذر خواهی نکنید زیرا کُفرتان بعد از اینکه تظاهر به ایمان میکردید ظاهر و آشکار گردید].

هفتم: سحر و جادوگری و آنچه شامل آن می‌شود از قبیل طر و دوستی بین دوستان و جلب آن برای دیگران و کسیکه آنرا انجام دهد، و یا از آن راضی شود کافر شود و دلیل آن قول باری تعالی است که می‌فرماید: وَمَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ : [البقرة ۱۰۲].

[این دو شخص صالح کسی را آموزش نمی‌دادند تا آنکه قبلاً به او گوشزد می‌کردند که ما به حقیقت برای امتحان آمده ایم تا دانسته شود چه کسانی کفر را بر ایمان ترجیح می‌دهند و طالب فراگرفتن سحر میشوند، پس تو ای شنونده کفر مکن و سحر طلب نکن زیرا که با عمل کردن به سحر کفر شخص ظاهر می‌شود].

هشتم: پشتیبانی و یاری کردن مشرکان بر ضد مسلمانان، و دلیل آن قول باری تعالی است که می‌فرماید: وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُمْ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ : [المائدة ۵۱].

[و هر کسی که از شما مسلمانان با آنان (یهود و نصاری) دوست گیرد او از جمله آنان بشمار می‌رود، یقیناً خدا براه راست نمی‌رساند کسانی که بخود ستم می‌کنند و با کافران دوستی برقرار می‌کنند].

نهم: کسیکه معتقد باشد که بعضی از مردم می‌توانند از شریعت و دین محمد ﷺ خارج شوند همچنانکه توانستند از دین موسی ﷺ خارج شوند کافر می‌باشد. باری تعالی می‌فرماید: وَمَنْ يَبْتَغِ الْإِسْلَامَ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ : [آل عمران ۸۵].

[و هر کسی که غیر اسلام برای دینداری دینی دیگر بخواهد پس هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است].

دهم: روی گردانی و اعراض نمودن از دین خدا و نیاموختن اسلام و عمل نکردن به آن . و دلیل آن قول باریتعالی است که می‌فرماید: **وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ** : [السجده ۲۲] . [چه کسی ستمگرتر است از فردی که آیات پروردگارش به او یاد آوری شود سپس او از آیات روی گردانی کند (هیچ کس ستمگرتر از او نیست) ما از جنایتکاران انتقام می‌گیریم] .

و در تمامی این نواقض و مخالفتها بین اینکه انسان جدی باشد و یا اینکه شوخی کند و یا از انجام آن بترسد، هیچ فرقی وجود ندارد، مگر کسیکه مکره یعنی مجبور شود به انجام آن عمل در حالیکه او راضی نیست . و همه اینها از گناهان کبیره می‌باشد که مردم در آن واقع هستند .

پس بر مسلمان لازم است از آنها بر حذر باشد و بترسد از اینکه در این گناهان بیفتد و باید از آن اجتناب و دوری ورزد .

بار الهی ما از غضب و خشم و عقاب دردناک تو، به تو پناه می‌بریم .

توحید بر سه نوع است:

نوع اول: توحید ربوبیت: و آنهم توحیدی است که کفار قریش در زمان پیامبر ﷺ به آن اقرار و اعتراف می‌کردند ولی با اینحال اقرارشان آنان را در اسلام داخل نکرد بلکه رسول الله ﷺ با آنان در راه خدا به جنگ پرداختند، و خون و مال و جان آنان را حلال فرمودند . و این توحید باریتعالی در أفعال و أعمال اوست .

و دلیل آن باریتعالی می‌فرماید: **قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمْنَ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأُمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ** : [یونس ۳۱] .

[به ایشان بگو چه است که از آسمان (بوسیله باران) و از زمین (بوسیله گیاهان و انواع درختان گوناگون) به شما رزق و روزی می‌دهد؟ یا اینکه چه کسی است که مالک شنوائی و بینائی، یعنی آفریننده آنها است؟ و چه کسی است که از مرده زنده را بیرون می‌آرد، و مرده را از زنده بیرون می‌آرد، یعنی از خاک مرده مایه حیات گیاهان و حیوانات را فراهم می‌فرماید، و از نطفهء ظاهراً مرده پیکری درخشنده بوجود می‌آورد، و از زنده آب نطفهء ظاهراً مرده می‌آورد، و از شخص زنده و پر جوش و خروش جسمی مرده و بی جان پدیدار گرداند؟ و چه کسی تدبیر کار اینهمه خلایق می‌نماید؟ خواهند گفت: الله است که روزی ده و چشم و گوش دهنده و زندگی و مرگ بخشنده، و تدبیر امور همهء خلایق در دست اوست . پس بگو چرا از خدا نمی‌ترسید تا ایمان بیاورید و به یکتائیش اعتراف کنید و پیغمبرش را تصدیق نمائید؟] .

نوع دوم: توحید ألوهیت: و آنهم توحیدی است که در آن، در زمان قدیم و در حال حاضر اختلاف شده است، و آن توحید خداوند متعال است که أفعال و أعمال بندگان را بیان می‌کند، مانند: دعاء و نذر و قربانی و امید و آرزو و ترس و وحشت و توکل و شوق و میل و ترس و بیم و رجوع و إنابت، و هر کدام از این عبادت‌های بالا دلیلی از قرآن بر آن وارد شده است .

نوع سوم: توحید ذات و صفات و اَسْمَاء خداوند:

باریتعالی می‌فرماید: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ : [سورهٔ إخلاص] .

[ بگو او خدای یکتاست، آن خدائی که از همه بی نیاز، و همهء عالم به او نیازمند هستند، نه کسی فرزند او، و نه او فرزند کسی است، و برای او هیچ مثل و همتائی نیست] .

و همچنین خداوند می‌فرماید: وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذُرُوا الَّذِينَ يَلْحَدُونَ فِي الْأَسْمَاءِ سِجْزُونَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ : [الأعراف ۱۸۰] .

[برای خداست بهترین نامها، خدا را به آن نامها بخوانید و دعاء نمائید و نامهایی را که مردم منحرف از حق برای بتهای خود از نامهای خدا می‌سازند ترک کنید، آن مردم منحرف و گمراه در آخرت به جزای آنچه می‌کردند می‌رسند] .

و می‌فرماید: لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ : [الشوری ۱۱] .

[هیچ چیز مثل و مانند خداوند نیست، و او شنوا و بینا است] .

ضد توحید شرک است:

و آنهم بر سه نوع تقسیم می‌شود:

۱ - شرک اکبر . ۲ - شرک أصغر . ۳ - شرک خفی و پنهانی .

شرک اکبر خداوند گناه او را نمی‌بخشد و هیچ عمل صالح و نیک را با آن قبول نمی‌کند .

خداوند متعال می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا : [النساء ۱۱۶] .

[خداوند شرک ورزیدن را نمی‌بخشد و بجز شرک گناهان دیگر را برای کسیکه بخواهد می‌بخشد و هر که بخدا شرک آرد پس بتحقیق که در گمراهی دور افتاد] .

و همچنین خداوند می‌فرماید: وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ . [المائدة ۷۲] .

[و عیسی گفت: ای بنی اسرائیل خدای یکتا را عبادت و بندگی کنید که پروردگار من و شما است - او تعالی خالق من و شما است،

من و شما پرورده او و مخلوق او هستیم، او را باید پرستید نه غیر از او - زیرا هر کسیکه بخدای یکتا شرک ورزد، خدا بهشت را بر مشرکان حرام گردانده است و جای آنان در دوزخ است و کسانی که به نفس های خود ستم می‌کنند هیچ یار و یآوری ندارند] .

و خداوند متعال می‌فرماید: وَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ أَخْرَجَهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَكَانَ ظُلُمًا أَعْمَى . [الفرقان ۲۳] .

[و آنچه در دنیا از کار خیر انجام داده بودند این کارهایشان نیز مانند ذرات غبار در هواء پراکنده ساختیم و کردارهایشان را همه بیاد دادیم]

و همچنین می‌فرماید: لئن أشركت ليحبطن عملك ولتكونن من الخاسرين : [الزمر ۶۵] .

[اگر شرک بعمل آوردی البته اعمال تو نابود می‌گردد و از زیانکاران خواهی شد] .

و همچنین خداوند متعال می‌فرماید: ولو أشركوا لحبط عنهم ما كانوا يعملون : [الأنعام ۸۸] .

[و اگر به خدا شرک ورزند البته اعمال و کردار آنها نابود می‌شود و از بین می‌رود] .

شرک اکبر بر چهار قسمت تقسیم می‌شود

۱ - شرک دعاء و طلب غیر از خدا یعنی: برای حل مشکلات و قضای حاجات .

دلیل آن باری تعالی می‌فرماید: فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله مخلصين له الدين فلما نجاهم إلى البر إذا هم يشركون : [العنكبوت ۶۵] .

[این مردم مشرک موقعی که به کشتی نشستند و باد شدید وزیدن گرفت و موجهای کوه پیکر کشتی را احاطه کردند و تاریکی شب و غرش باد و خروش موج زندگی را بر سرنشینان کشتی تلخ کردند آنگاه است که به إخلاص، خدا را دعاء می‌کنند و عهد می‌بندند که اگر خدا آنان را از این خطر مهلک نجات بدهد دیگر هیچگاه کرد نافرمانی او نکردند، اما موقعیکه خدا که مهربانترین مهربانان است آنان را نجات داد و پایشان به خشکی رسید ناگهان عوض می‌شوند و شرک می‌ورزند] .

۲ - شرک در نیت و إرادت و قصد و مقصود .

و دلیل آن خداوند می‌فرماید: من كان يريد الحياة الدنيا وزينتها نوف إليهم أعمالهم فيها وهم فيها لا يبخسون أولئك الذين ليس لهم في الآخرة إلا النار وحبط ما صنعوا فيها وباطل ما كانوا يعملون : [هود ۱۵ - ۱۶] .

[هر کسیکه خواهان زندگی دنیا و آرایش آن باشند و به راه شرک و ریا کاری پافشاری می‌کنند جزای کردارشان را در دنیا به طور کامل می‌دهیم، در برابر صدقه و صلهء رحم و أعمال خیرشان، صحت و سروری و فراخی روزی می‌دهیم، و ایشان چیزی از حقشان در دنیا کاسته نمی‌شود، و اما آخرتشان را بر باد داده اند . اینها در آخرت نصیبی بجز جهنم ندارند، و آنچه در دنیا انجام داده اند از بین رفته و أعمال آنها باطل شده است] .

۳ - شرک در اطاعت:

و دلیل آن قول خداوند متعال که می‌فرماید: إتخذوا أحبارهم ورهبانهم أرباباً من دون الله والمسيح ابن مريم وما أمروا إلا ليعبدوا إلهاً واحداً لا إله إلا هو سبحانه عما يشركون : [التوبة ۳۱] .

[یهودیان از دانشمندانشان و نصاری از عابدانشان خدایانی غیر از خداوند قرار داده اند، و بدون فرمان او از اینراه که هر چه علماء و عبّادشان تحلیل و تحریم کردند تابع ایشان می‌شوند، و در حلال ساختن آنچه خدا حرام فرموده، و حرام ساختن آنچه خدا حلال نموده، از آنان پیروی می‌کنند و مسیح، عیسی بن مریم را به خدائی گرفته اند، از این راه که او را پسر خدا می‌دانند، و در تورات و انجیل أمر نشده اند مگر به اینکه بندگی و عبادت خدای یکتا نمایند و اطاعت از فرمان او نمایند، معبودی بحق بجز خدای یکتا نیست و او منزّه و پاک است از آنچه شریک او می‌گردانند].

تفسیر این آیه که در آن اشکالی نیست چنین می‌باشد: [عدم اطاعت علماء و زهّاد و عبّاد در معصیت خدا و عدم دعاء آنها چنانکه رسول الله ﷺ آنها را برای عدی بن حاتم □ تفسیر نمودند وقتی که از آن حضرت سؤال کرد که، ما آنان را نمی‌پرستیم آن حضرت در جواب فرمودند: اطاعت آنان در معصیت خداوند عبادت گفته می‌شود].

۴ - شرک در محبت و دوستی .

و دلیل آن خداوند می‌فرماید: ومن الناس من يتخذ من دون الله أنداداً يحبونهم كحب الله : [البقره ۱۶۵، و تفسیر آن قبلاً ذکر شد]. نوع دوم، شرک اصغر است: و آنها ریاء می‌گویند

و دلیل آن قول باریتعالی است که می‌فرماید: فمن كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملاً صالحاً ولا يشرك بعبادة ربه أحداً : [الكهف ۱۰۲].

[پس هر کس امیدوار دیدار پروردگار خود باشد و می‌خواهد بدرگاه خدای یکتا نزدیک شود باید پیروی رسول خدا نماید، ایمان به دیدار خدا بیاورد که در روزشمار، خدا جزای اعمال او را خواهد داد، و کردار خود را شایسته نماید تا در روز دیدار و رسیدن به جزای اعمال خود از مؤمنان صالح و از همراهان پیغمبر خدا باشد، و برای تحقق و عمل صالح و نیک خود همیشه راه إخلاص برای خدای یکتا را در پیش گیرد، و در عبادت پروردگار خود هیچ کس را شریک او نسازد].

نوع سوم از انواع شرک، شرک خفی است

و آنها شرک پنهان و غیر آشکار گفته می‌شود .

و دلیل آن قول رسول الله ﷺ است که می‌فرماید: ((الشرك في هذه الأمة أخفى من ديب النملة السوداء على صفاة سوداء في ظلمة الليل)). [ابن کثیر در تفسیر ۵۷/۱].

شرک در این امت محمدی مخفی تر از راه رفتن مورچه ای سیاه رنگ که بر تخته سنگ سیاهی در تاریکی شب بحرکت می‌افتد میباشد .

و کفار و جبران این شرک یعنی شرک مخفی و پنهانی حدیث رسول الله ﷺ است که می‌فرماید: ((اللهم إني أعوذ بك أن أشرك بك شيئاً وأنا أعلم وأستغفرک من الذنب الذي لا أعلم)). [أحمد].

بارِ الهی من بتو پناه می‌برم اگر بتو شرک ورزم در حالی که می‌دانم، و از تو طلب بخشش می‌طلبم از گناهی که نداسته انجام می‌دهم .

کفر بر دو نوع تقسیم می‌شود

اولاً:- کفری که انسان را از دین و دایرهٔ اسلام خارج می‌کند، و آن پنج نوع است:

اول: کفر تکذیب خداوند و رسول او، و دلیل آن قول باریتعالی است که می‌فرماید: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ : [العنکبوت ۶۸] .

[چه کسی ستمگراتر از کسی است که بر خداوند دروغ می‌گوید و رسول حق را که برای هدایت او آمده تکذیب می‌نماید؟ آیا جایگاه کافران در آتش دوزخ نیست؟] .

دوم: کفر عدم قبول حق و تکبر و غرور کردن، با دانستن و معرفت آن .

و دلیل آن خداوند می‌فرماید: وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ : [البقرة ۳۴] .

[و بیاد آور هنگامیکه به فرشتگان گفتیم سر تعظیم برای آدم فرود آورید و سجده کنید او را، پس اینکار را کردند بجز ابلیس که از تعظیم آدم سرباز زد و در علم خداوندی، ابلیس از کافران بود] .

سوم: کفر شک و تردید و ظن .

و دلیل آن قول باریتعالی است که می‌فرماید: وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رَّدَدْتِ إِلَىٰ رَبِّي لَأُجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا . قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نَّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاهُ رَجُلًا . لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا : [الكهف ۳۵ - ۳۸] .

[و به باغ خود داخل شد در حالیکه از کفر و خود پسندی و غرور بخود ستم می‌کرد و گفت: گمان نمی‌کنم که هرگز این باغ و

سرمایه من نابود شود، و نیز گمان نمی‌کنم که روز قیامتی بر پا شود و اگر به فرض، من بسوی خدای خود باز کردم البته در آن

جهان نیز از این باغ دنیا، منزلی بهتر خواهم یافت، صاحب و رفیق او که فقیر بود اما به عزت ایمان سرافراز بود در گفتگوی با وی

گفت آیا کفر ورزیدی به خدائی که تو را از خاک آفرید؟ پس از آن از آب نطفه به تو شکل و صورت بخشید؟ پس از آن تو را مردی

کامل الأعضاء نمود؟ ولیکن من پروردگارم الله، خداوند یکتا است و هیچ کسی را شریک او قرار نمی‌دهم] .

چهارم: کفر روی گردانی از دین .

و دلیل آن قول باریتعالی است که می‌فرماید: وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مَعْزُونُونَ : [الأحقاف ۳] . [و مردمی که کفر ورزیده اند، نه به

دلائلی که در سراسر وجود است می‌نگرند، و نه به اندرز پیغمبران گوش می‌دهند، و نه به آنچه از کتابهای آسمانی فرود آوردیم

توجهی دارند، بلکه از همه چیز روی گردانند] .

پنجم: کفر نفاق .

و دلیل آن قول خداوند متعال است که می‌فرماید: ذَلِكْ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ : [المنافقون ۳] .

[زیرا آنها ایمان آوردند، و سپس کافر شدند، خدا هم مُهر بر دلهایشان نهاد تا هیچ درک نکنند] .

یعنی: ایمان آوردند به زبان، ولی با دل خود کافر شدند .

ثانیاً: کفری که انسان را از دین اسلام خارج نمی‌کند و آنهم کفر نعمت می‌باشد .

و دلیل آن قول خداوند متعال که می‌فرماید: وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمَنَةً مَطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ

اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ : [النحل ۱۱۲] .

[خداوند شهری را که در ایمنی و آسودگی بود و روزیش به فراخی از هر جا بسویش می‌آمد مثال زد، مردم آن شهر پیغمبر خدا را

تکذیب کرده و نعمتهای خدا را ناسپاسی نمودند، خدا هم به موجب آن کفران و معصیت طعم و لباس گرسنگی و بیمناکی را به آنها

چشانید] .

نفاق بر دو نوع تقسیم می‌شود

اول: - نفاق اعتقادی . دوم: - نفاق عملی .

نفاق اعتقادی شش قسمت است .

و صاحب این نفاقها در زیرترین نقطه از جهنم خواهد بود .

۱ - کسیکه رسول الله ﷺ را تکذیب کند .

۲ - کسیکه بعضی از آنچه رسول الله ﷺ آورده تکذیب کند .

۳ - کسیکه از رسول الله ﷺ نفرت داشته باشد .

۴ - کسیکه نفرت داشته باشد از بعضی از چیزهاییکه رسول الله ﷺ از نزد باری تعالی آورده است .

۵ - خوشحالی به نقصان و کم شدن دین مبین اسلام و طرفداران آن .

۶ - نفرت داشتن از پیروزی اسلام بر کفر .

نفاق عملی: نفاق عملی پنج قسمت است .

دلیل آن حدیث رسول الله ﷺ است که فرمودند: ((أَيُّهُ الْمُنَافِقُ ثَلَاثُ: إِذَا حَدَّثَ كَذِبًا وَ إِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ)) . [متفق علیه]

وفی روایة ((إِذَا خَاصَمَ فَجَرَ وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ)) . [متفق علیه] .

علامت منافق سه چیز است: هنگام سخن گفتن دروغ میگوید، و اگر وعده دهد، وعده خلافی میکند و به وعده اش عمل نمیکند، و اگر به او امانت سپرده شود خیانت میکند - و در روایتی دیگر - اگر خصومت نماید فجور (بد و بیراه) میگوید، و اگر عهد و پیمانی با کسی ببندد عهد شکنی و خیانت می‌کند .

معنای طاغوت و انواع اصلی آن

بدان ای برادر که اولین چیزی که خداوند بر بنی آدم فرض نمود کفر به طاغوت و ایمان به خدای یکتا است .

چنانکه باری تعالی می‌فرماید: وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ : [النحل ۳۶] .

[در هر اُمّتی پیغمبری فرستادیم و سخن همه پیغمبران این بود که: خدای یکتا را بندگی کنید و از عبادت سرکشان و فرعونان و بتان پرهیز نمائید] .

اما صفت و کیفیت کفر به طاغوت: باطل دانستن عبادت غیر خدا و ترک آن عبادت، و نفرت داشتن از آن و کافر دانستن کسیکه چنین کاری را انجام می‌دهد و دشمنی کردن با او، این معنی کفر به طاغوت است .

و ایمان به خدا: معتقد بودن به خدای یکتائی که هیچ شریکی ندارد، و تمام عبادتها را خالصاً برای رضای او انجام دادن، و غیر از او هیچ معبود دیگری را نپرستیدن، و یکتا پرستان را دوست داشتن، و از آنان پشتیبانی کردن، و از مشرکان نفرت داشتن، و با آنان دشمنی کردن، و این همان دین ابراهیم □ است و کسیکه از دین ابراهیم □ روی گرداند نادان و دیوانه و احمق است، و پیروی از دین ابراهیم □ همان اُسوه و قدوه حسنه و نیک است که باری تعالی می‌فرماید: قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ . [الممتحنة ۴] .

[برای شما مؤمنان در عصر خاتم الأنبياء عليه الصلاة والسلام اقتداء و پیروی خوب در روش ابراهیم □ و مردم مؤمن همراه اوست، موقعیکه به قوم خود و گروهشان گفتند که ما از شما و آنچه می‌پرستید غیر از خدای یکتا بیزاریم، ما به همهء آنچه غیر از خدای یکتا است و شما آنها را عبادت می‌کنید به همهء آنها کفر ورزیده و عبادت آنها را انکار می‌کنیم و از آنها مبرا و بیزاریم، ما راه و روش شما را نمی‌پذیریم و همیشه میان ما و شما کینه و دشمنی خواهد بود تا وقتی که تنها به خدای یگانه ایمان آورید] .

و طاغوت اسمی عام است که: هر آنچه را که غیر از خداوند عبادت شود و او به این عبادت راضی باشد و در جهت اطاعت خدا و رسول خدا نباشد شامل می‌شود .

طاغوتها انواع زیادی دارند، و سران طاغوت پنج تا هستند:

اول: شیطان: که به سوی عبادت غیر از خدای یکتا دعوت می‌کند، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَلَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ : [یس ۶۰] .

[من به شما پسران آدم و فرزندان او دستور دادم که از شیطان پیروی نکنید که دشمن آشکار شما است].

دوم: حاکم و پادشاه ظالم و ستمکار که حکم خدا را تغییر میدهد.

و دلیل آن خداوند متعال می‌فرماید: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَكَّمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا : [النساء ۶۰].

آیا نمی‌نگری و تعجب نمی‌کنی از حال آنانکه به گمان و دعوای خود ایمان به قرآن تو و کتبی که پیش از تو فرستاده شده آوردند؟ چگونه باز می‌خواهند طاغوت را حاکم خود قرار دهند در حالی که مأمورند که به طاغوت کافر شوند، و شیطان می‌خواهد آنان را گمراه کند چگونه گمراهی که از هر سعادت و آسایش دور باشند].

سوم: کسیکه به غیر از حُکْم خدا قضاوت و حُکْم نماید.

و دلیل آن قول خداوند متعال است که می‌فرماید: وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ : [المائدة ۴۴].

[هر کس بر خلاف آنچه خداوند فرستاده حُکْم کند چنین کسی از کافران خواهد بود].

چهارم: کسیکه ادعای علم غیب می‌کند.

و دلیل آن خدا می‌فرماید: عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يَظْهَرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمَنْ خَلْفَهُ رَصَدًا . [الجن ۲۶ - ۲۷].

[او دانای غیب جهان است و هیچکس بر عالم غیب آگاه نیست، مگر آنکس که از رسولان خود برگزیده، و بر محافظت او از جلو و پشت سر نگهبانانی قرار داده است].

و همچنین خداوند متعال می‌فرماید: وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مَبِينٍ : [الأنعام ۵۹].

[و کلیدهای غیب و علم نزد خداوند است، او به غیب إحاطه دارد، و قبل از وقوع هر واقعه، به وقوع آن و وقت وقوع آن دانا است، و امور غیب را بجز او سبحانه و تعالی کسی دیگر نمی‌داند و آنچه در خشکی و دریا است، او می‌داند و برگ‌های درخت نمی‌افتد مگر اینکه خدا به افتادن آن برگ دانا است، و نمی‌افتد دانه‌ای در تاریکی‌های زمین، و نه هیچ تری، و نه هیچ خشکی مگر اینکه در کتابی آشکار در لوح محفوظ در علم خدا است].

پنجم: کسیکه او را عبادت می‌کنند بغیر از خدا، و او به آن عبادت راضی است.

و دلیل آن قول خداوند متعال است که می‌فرماید: وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَلِكُ نَجْزِيهِمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ :

[الأنبياء ۲۹].

[و هر کسیکه از ایشان بگوید: من خدا هستم غیر از خدای یکتا، ما او را به آتش دوزخ کیفر خواهیم داد که ستمکاران را چنین

مجازات می‌کنیم]

و بدانکه انسان نمی‌تواند مؤمن به خدا شود تا زمانی که به طاغوت کفر نرزد .

و همچنین خداوند می‌فرماید: فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللّٰهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ : [البقره ۲۵۶] .

[کسیکه به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به رشته محکم و استواری چنگ زده که هرگز نخواهد گسست و خداوند به هر چه خلق گویند و کنند شنوا و داناست] .

بدانکه رشد و هدایت دین محمد ﷺ است، و گمراهی دین أبوجهل است، و رشته استوار و محکم شهادت أن لا إله إلا الله است، یعنی: گواهی دادن که معبودی بحق جز خدای یکتا نیست، که متضمن نفی و اثبات می‌باشد، تمامی أنواع عبادت غیر از خدا را نفی می‌کند، و تمامی أنواع عبادت را فقط برای خدای یکتا اثبات می‌کند .

والحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات .